



مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

دشمن آل رسول الله ﷺ

مایوس از رحمت الله

۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸

۱۱ جماد الاول ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

با فرا رسیدن ایام جانسوز و جان‌گذار فاطمیّه، ادامه سخن را به بحث در مورد بانوی گرامی اسلام علیها السلام اختصاص می‌دهیم. این ایام خاطره یکی از تلخ‌ترین حوادث صدر اسلام را زنده می‌کند. حادثه‌ای که اگر هر انسان منصف و مؤمنی در آن دقت نماید و به عمق ماجرا بیندیشد هاله‌ای از تأثر، تأسف، غم و اندوه وجود او را فرا خواهد گرفت. در همین راستا و برای پی‌بردن به مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام ابتدای آیه‌ای از قرآن مجید را نقل نموده و در ذیل آن آیه شریف، به نقد و بررسی سخن مفسرین اهل سنت می‌پردازیم.

خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

﴿ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴾ (۱).

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هرکس کار نیکی انجام دهد بر نیکی اش

۱ - سوره شوری، آیه ۲۳.

می افزاییم چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

فخررازی و محبت اهل بیت علیهم السلام

فخررازی که یکی از مفسرین و متفکرین اهل سنت است، در ذیل این آیه شریف، روایتی را از کتاب کشاف زمخشری نقل می نماید. فخررازی چنین می گوید:

«عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: من مات على حب آل محمد عليهم السلام مات شهيداً، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام مات مغفوراً له، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام مات تائباً، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام مات مؤمناً مستكمل الإيمان، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام بشره ملك الموت بالجنة ثم منكر ونكير، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام يزف إلى الجنة كما تزف العروس إلى بيت زوجها، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام فتح له في قبره بابان إلى الجنة، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة، ألا ومن مات على حب آل محمد عليهم السلام مات على السنة والجماعة، وألا ومن مات على بغض آل محمد عليهم السلام جاء يوم القيامة مكتوباً بين عينيه آيس من رحمة الله، ألا ومن مات على بغض آل محمد عليهم السلام مات كافراً، ألا ومن مات على بغض آل محمد عليهم السلام لم يشم رائحة الجنة:

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: کسی که بردوستی آل محمد عليهم السلام

از دنیا برود، شهید از دنیا رفته، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، تمام گناهان او آمرزیده می شود، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، جزء توبه کنندگان محسوب می شود، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، با ایمان کامل از دنیا رفته است، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، ملک الموت، نکیر و منکر او را به بهشت جاویدان بشارت می دهند، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، او را با تشریفات به سوی بهشت می برند، چنانچه عروس را با تشریفات خاصی به منزل همسرش رهسپار می کنند، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، برای او در قبرش دو در به سوی بهشت باز می شود، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود خداوند قبر او را مزار و مطاف ملائکه رحمت قرار می دهد، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، طبق روش و سنت پیروان پیامبر [صلی الله علیه و آله و سلم] از دنیا رفته است، آگاه باشید کسی که بر بغض و کینه آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، روز قیامت وارد صحنه محشر می شود در حالی که بر پیشانی او نوشته اند: از رحمت خدا ناامید می باشد، آگاه باشید کسی که بر بغض و کینه آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود،

بدون دین و کافر از دنیا رفته است آگاه باشید کسی که بر بغض و کینه آل محمد [علیهم السلام] از دنیا برود، هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهد نمود.

فخررازی پس از اینکه روایت را از زمخسری نقل می‌نماید، به تفسیر و تبیین آن می‌پردازد و این قصد را دارد که بیان کند منظور از آل محمد [علیهم السلام] چه کسانی هستند.

أنا أقول: آل محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] هم الذين يؤول أمرهم إليه فكل من كان أمرهم إليه أشد وأكمل كانوا هم الآل، ولا شك أن فاطمة وعلياً والحسن والحسين [علیهم السلام] كان التعلق بينهم وبين رسول الله [صلی الله علیه و آله و سلم] أشد التعلقات وهذا كالمعلوم بالتقل المتواتر فوجب أن يكونوا هم الآل، وأيضاً اختلف الناس في الآل فليلهم هم الأقارب وقيل هم أمته، فإن حملناه على القرابة فهم الآل، وإن حملناه على الأمة الذين قبلوا دعوته فهم أيضاً آل فثبت أن على جميع التقديرات هم الآل وأما غيرهم فهل يدخلون تحت لفظ الآل؟ فمختلف فيه؛

نظر من این است: آل محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] کسانی هستند که بازگشت آنها به سوی پیامبر خدا [صلی الله علیه و آله و سلم] است، پس هر کسی که علقه و ارتباط او با رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم] شدیدتر و بیشتر است، به او آل می‌گویند. و شکی نیست که فاطمه و علی و حسن و حسین [علیهم السلام] ارتباط و علقه آنها با رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم] بالاترین و کامل‌ترین

ارتباطات بود و این سخنی است معلوم و آشکار که با تواتر به اثبات رسیده است پس واجب است که آنها را آل بدانیم. همچنین مردم اختلاف کرده‌اند و بعضی گفته‌اند خویشاوندان او آل هستند و بعضی دیگر گفته‌اند امت پیامبر ﷺ آل او هستند. پس اگر آل را به خویشاوندان حمل کنیم که آل محمد [ﷺ] همان علی، فاطمه، حسن و حسین [ﷺ] هستند و اگر به معنای امتی بدانیم که دعوت او را پذیرفته‌اند، پس آنها هم آل می‌شوند. پس بنابر تمام تقدیرات متیقن این است که علی، فاطمه، حسن و حسین [ﷺ] آل هستند و اما غیر ایشان آیا تحت لفظ آل قرار می‌گیرند؟ این مطلبی است که مورد اختلاف می‌باشد.

فخررازی پس از بحث لغوی، بحث روایی را در مورد مصادیق آل دنبال می‌کند.

وروی صاحب الکشاف أنه لما نزلت هذه الآية قيل يا رسول الله ﷺ! من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟ فقال ﷺ: علي وفاطمة وإبناهما [ﷺ] فثبت أن هؤلاء الأربعة أقارب النبي ﷺ وإذا ثبت هذا وجب أن يكونوا مخصوصين بمزيد التعظيم ويدل عليه وجوه:

صاحب کتاب کشف روایت کرده زمانی که این آیه شریف نازل شد، از رسول خدا ﷺ سؤال شد نزدیکان شما که

دوستی آنها بر ما واجب گشته چه کسانی هستند؟ پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] فرمودند: علی و فاطمه و دو پسر آنها [عَلِيٌّ وَآلِهِ]. پس ثابت شد که این چهار نفر نزدیکان پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] هستند. و زمانی که این مطلب به اثبات رسید واجب است که آنها را به صورت ویژه تعظیم و احترام نماییم. و بر این تعظیم ویژه ادله ای دلالت دارد:

الأول: قوله تعالى ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ ووجه الاستدلال به ما سبق. الثانی: لا شك أن النبی [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] كان يحب فاطمة [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] قال [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]: فاطمة بضعة مني يؤذيني ما يؤذيها؛ وثبت بالنقل المتواتر عن رسول الله [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] أنه كان يحب علياً والحسن والحسين [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] وإذا ثبت ذلك، وجب على كل الأمة مثله لقوله: ﴿وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^(۱) ولقوله تعالى: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ﴾^(۲) ولقوله: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾^(۳) ولقوله سبحانه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^(۴) الثالث: أن الدعاء للآل منصب عظيم ولذلك جعل هذا الدعاء خاتمة التشهد في الصلاة وهو قوله اللهم صل على محمد وآل محمد وأرحم محمد وآل محمد، وهذا التعظيم لم يوجد في حق غير الآل، فكل ذلك يدل على أن حب آل محمد واجب وقال

۱- سورة أعراف، آیه ۱۵۸.

۲- سورة نور، آیه ۶۳.

۳- سورة آل عمران، آیه ۳۱.

۴- سورة أحزاب، آیه ۲۱.

الشّافعي:

إِنَّ كَانَ رِفْضاً حَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

فليشهد الثقلان أنّي رافضيّ

دلیل اوّل آیه‌ای است که ذکر گردید و در سخنان گذشته به آن اشاره نمودیم. دلیل دوّم: هیچ شکی نیست که پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را دوست می‌داشتند و می‌فرمودند: فاطمه پاره تن من است آنچه که او را اذیت کند من را نیز آزار می‌دهد. همچنین با نقل متواتر به اثبات رسیده است که پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] علی و حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را نیز دوست می‌داشتند و زمانی که این مطلب به اثبات رسید، بر همه امت واجب است که مانند پیامبر خود رفتار کنند چون خداوند می‌فرماید: (و از او پیروی کنید تا هدایت شوید) و همچنین خداوند می‌فرماید: (پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند باید بترسند) و همچنین می‌فرماید: (بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد) و باز می‌فرماید: (مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود). دلیل سوّم: به درستی که دعا برای آل دارای جایگاه و مقام عظیم است و به همین دلیل است که در پایان تشهد در نمازهای روزانه قرار داده شده است و می‌خوانیم: خدایا بر محمد و آل او درود فرست و رحمت خود را بر محمد و آل او

فروید بفرست. و تعظیم این چنین در مورد کسانی غیر از آل وارد نشده است. تمام دلایلی که ذکر گردید دلالت دارند بر اینکه محبت آل محمد واجب می باشد.

شافعی در همین زمینه ابیاتی سروده است [که در اینجا تنها به ذکر بیتی از آن می پردازیم]: اگر دوستی و محبت محمد و آل محمد موجب رافضی شدن است پس تمام جن و انس شاهد باشند که من رافضی هستم.

فخررازی در ادامه از آیه شریف برداشت دیگری را ارائه کرده و می گوید:

قوله: ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ فيه منصب عظیم للصّحابة لآئه تعالی قال: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^(۱) فكلّ من أطاع الله كان مقرباً عند الله تعالی فدخل تحت قوله: ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ والحاصل أنّ هذه الآية تدلّ علی وجوب حبّ آل رسول الله ﷺ وحبّ أصحابه، وهذا المنصب لا یسلّم إلا علی قول أصحابنا أهل السنّة والجماعة الّذین جمعوا بین حبّ العترة والصّحابة، وسمعت بعض المذکرین قال إنّهُ ﷺ قال: مثل أهل بیتی کمثل سفینة نوح من ركب فیها نجی وقال ﷺ: أصحابی کالنّجوم بأيّهم اقتديتم اهتديتم؛ ونحن الآن فی بحر التکلیف وتضربنا أمواج الشبهات والشهوات وراكب البحر یحتاج إلى أمرین أحدهما، السفینة الخالیة عن العیوب والثقب والثّانی،

۱ - سورة واقعه، آیه ۱۰.

الکواكب الظاهرة الطالعة النيرة، فإذا ركب تلك السفينة ووقع نظره على تلك الكواكب الظاهرة كان رجاء السلامة غالباً، فكذاك ركب أصحابنا أهل السنة سفينة حب آل محمد ووضعوا أبصارهم على نجوم الصحابة، فرجوا من الله تعالى أن يفوزوا بالسلامة والسعادة في الدنيا والآخرة»^(۱).

در آیه ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ نیز مقام جایگاه عظیمی برای صحابه موجود است. به خاطر اینکه خداوند متعال می فرماید: «(و سوّمین گروه) پیشگامان پیشگامانند آنها مقربانند». پس هر کسی که خداوند متعال را اطاعت نماید، نزد خداوند متعال مقرب محسوب می شود، پس تحت قول خداوند متعال: ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ داخل می شود. حاصل کلام اینک آیه شریف بر وجوب محبت و دوستی آل رسول ﷺ و محبت اصحاب هر دو دلالت دارد. و این جایگاه (دوستی و محبت صحابه) به دست نمی آید مگر بنا بر قول اصحاب ما که اهل سنت و جماعت هستند. همان هایی که میان دوستی آل محمد ﷺ و صحابه جمع کرده اند. از بعضی خطبا شنیدم که می گویند: پیامبر ﷺ فرمودند: مثل اهل بیت من [آل ابراهیم] مانند کشتی نوح [نوح] است کسی که سوار آن شود نجات می یابد و پیامبر ﷺ فرمودند: اصحاب من مانند

۱ - تفسیر فخر رازی، جلد ۲۷ صفحه ۱۶۶.

ستارگان هستند؛ از هر کدام آنان که پیروی کنید، هدایت می‌شوید. ما نیز الآن در دریای تکلیف قرار داریم و امواج شبهات و شهوات ما را فراگرفته است. و مسافر دریا به دو امر نیازمند است: ۱. کشتی؛ که از هرگونه عیب و نقص و سوراخی به دور باشد. ۲. ستاره‌ها و چراغ‌های درخشانده و روشن‌کننده راه، پس زمانی که او بر چنین کشتی سوار شده و بر ستاره‌های درخشان نظر بيفکنند به سلامتی امید خواهد داشت. و این چنین اصحاب ما که اهل سنت هستند، بر کشتی دوستی آل محمد [ﷺ] سوار شده و چشم خود را به این ستارگان دوخته‌اند؛ پس همانها هستند که امید دارند به سلامت به مقصد رسیده و در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوند.

پرسش‌های بی‌پاسخ

در این قسمت به نقد و بررسی سخنان فخررازی می‌پردازیم. با طرح پرسش‌هایی، انتقاداتی متوجه فخررازی و پیروان وی می‌نماییم، با یادآوری این مطلب که در جلسات گذشته مکرر گفته‌ایم اگر کسی به سوالات ما پاسخ داده و ما را قانع نماید، از مواضع خود دست برداشته و عقاید اهل سنت را می‌پذیریم.

پرسش نخست

چنانچه در سخنان فخررازی دقت کرده باشید، این مفسر اهل سنت در گوشه‌ای از سخنان خود گفت: اگر معنای لغوی «آل» را در نظر داشته باشیم،

بدون هیچ شک و شبهه‌ای علی، فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام از آل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند. زیرا آنها علیهم‌السلام از نسل و ذریه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شمار می‌روند. اما دخول دیگران مانند صحابه در معنای آل مشکوک و مورد اختلاف می‌باشد. حال سؤال این است که چگونه اهل سنت معنای متیقن آل را رها نموده و دست به دامان امری مشکوک شده و سخت از چنین امر مشکوکی دفاع می‌نمایند و صحابه را آل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پندارید؟

پرسش دوم

فخررازی بعد از اینکه معنای لغوی آل را مطرح نمود برای تأیید سخنان خود به سنت نیز تمسک جسته و بیان کرد، هنگامی که نام ذوی‌القربی را از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند، ایشان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این چهار تن علیهم‌السلام را نام بردند. همچنین فخررازی در موردی از سخنان خود گفت: شدت تعلق این چهار تن به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به وسیله اخبار متواتر ثابت شده است. حال سؤال این است که اگر از نظر اهل سنت این چهار تن علیهم‌السلام از آل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشند. چگونه آنان از خبری متیقن که سنت (روایت) هم پشتوانه آن است، دست برداشته‌اند؟ مگر ادعای اهل سنت، پیروی از سنت و روش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست؟

پرسش سوم

این پرسش، پرسشی است که با توجه به مقام فکری و علمی فخررازی مطرح می‌شود. با توزیع در کتب فخررازی به این نتیجه می‌رسیم که او گاهی با دقت فراوان در یک کلمه دهها مطلب را استنباط نموده و بر مطالب خود مانور می‌دهد. در روایتی که فخر رازی از کشاف نقل نمود، ویژگی‌های محبت و بغض آل محمد علیهم‌السلام

ذکر شده بود و در حدود دوازده فراز داشت. حال سؤال ما از فخررازی این است: او با دقت و ریز بینی که در مطالب به خرج می‌دهد، چگونه به راحتی از فرازهای دوازده گانه عبور نمود و حتی جمله‌ای را در مورد این فرازها ذکر ننمود؟ آیا فرازهایی مانند «مستکمل الایمان»، «جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة»، «مکتوباً بین عینیه آیس من رحمة الله»، «مات کافراً» و «لم یشم رائحة الجنة» دارای معنی و مفهوم نمی‌باشد؟

آیا فخررازی از مجموع این روایت نفی و اثبات تکوینی را استنباط نمی‌نماید؟ همان نفی و اثباتی که در جمله «لا إله إلا الله» موجود می‌باشد، به این معنی که این جمله وجود خدای واحد را اثبات و وجود خدایان متعدّد را نفی می‌کند. همان طوری که مجموع این روایات اثبات می‌کند، تنها محبت آل محمد ﷺ سودی ندارد، بلکه محبتی سودمند است که به دنبال آن بغض دشمنان آل محمد ﷺ هم باشد.

بنابر روایتی که فخررازی نقل کرده، محبت آل محمد ﷺ کمال ایمان است و بغض آنان ﷺ همانند کفر است. بنابر این اگر فردی محبت آل محمد ﷺ را در دل نداشته باشد، نه تنها ایمانی کامل ندارد، بلکه اگر در همان حال بمیرد، کافر مرده است. حال چرا فخررازی از این نکته مهم به سادگی عبور کرده است و مطلبی بیان ننموده است؟!

رضایت و غضب فاطمه ﷺ

اکثر کتب معتبر اهل سنت البته با الفاظ و مضامین متفاوت نقل می‌کنند که

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنَّ الرَّبَّ يَرْضَى لِرِضَا فَاطِمَةَ وَيَغْضَبُ لِعُضْبِهَا»^(۱).

همانا با رضایت فاطمه علیها السلام خداوند خشنود شده و با غضب

فاطمه علیها السلام خداوند هم غضبناک می شود.

اگر طبق گفته اهل سنت حضرت زهرا علیها السلام را معصوم ندانیم، معنای روایت چنین می شود که اگر فاطمه علیها السلام به عمل خلافی میل و هوای نفسانی پیدا کرد، خدا نیز به آن عمل خلاف و نفسانی راضی می شود. اگر واقعاً روایت را چنین معنی کنیم، روشن می شود که در خداشناسی نیز دچار مشکلیم و گویا خدا را هم معصوم نمی دانیم!!

نتیجه این می شود که مسلماً حضرت زهرا علیها السلام دارای مقام رفیع عصمت می باشند البته عصمت ایشان مانند عصمت حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت ابراهیم و غیره علیهم السلام ... نیست بلکه عصمتی همانند عصمت پدر بزرگوار خود نبی اکرم ﷺ را دارا می باشند. گویا عصمت ایشان فوق عصمت می باشند زیرا در مقام عصمت به جایی رسیده اند که با رضایت ایشان رضایت خداوند هم حاصل می شود و با غضب ایشان خداوند متعال هم غضبناک می شوند. مقام عصمت ایشان به حدی است که عقول ناقص بشری توان درک حقیقت آن را ندارد.

در صحیح بخاری روایتی ذکر شده است که دقت در آن ما را به حقیقت مهمی

۱- بحار الأنوار، جلد ۳۰ صفحه ۳۵۳ از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۸۳، مستدرک الحاکم، جلد ۳ صفحه ۱۵۴ و المعجم الكبير، جلد ۲۲ صفحه ۴۰۱.

رهنمون می‌شود. بخاری می‌گوید: ابوبکر بعد از ارتحال رسول خدا ﷺ به استناد این روایت که پیامبر ﷺ فرمودند:

«نحن معاشر الأنبياء لا نورث ما تركنا صدقة:

ما انبياء چیزی را به عنوان ارث باقی نمی‌گذاریم و آنچه که از ما باقی می‌ماند صدقه است.

اموال حضرت فاطمه زهرا عليها السلام را به زور از ایشان گرفت.

فغضب فاطمة بنت رسول الله ﷺ [فهجرت أبابكر فلم تنزل مهاجرة حتى توفيت:

فاطمه دختر رسول خدا از این عمل غضبناک شدند پس با ابوبکر قهر کرده و دیگر با او صحبت نکردند و تا زمان وفات شان با او قهر بودند.

در ادامه روایت آمده است:

فأما صدقته بالمدينة فدفعها عمر إلى عليّ وعبّاس^(۱).

اما اموال پیامبر ﷺ که در مدینه بود پس عمر آنها را به علی و عباس بازگرداند.

این روایت، روایتی است که در کتب معتبر اهل سنت نقل شده است. و بالاتر از آن راوی آن عایشه می‌باشد. حال سؤال این است که اگر حضرت زهرا عليها السلام، از عمل ابوبکر غضبناک شدند، آیا غضب ایشان غضب خداوند متعال نمی‌باشد؟ آیا

۱ - صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۴۲، مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۶ و البداية والنهاية، جلد ۵ صفحه ۳۰۷.

اهل سنت می‌توانند هر دو روایت را طرد کرده و هر دو را قبول نکنند؟ این چیزی است که محال به نظر می‌رسد و اهل سنت چاره‌ای ندارند جز اینکه ابوبکر را مغضوب خداوند متعال بدانند و اگر او مغضوب خداوند باشد، چگونه همه جلال و جبروت و مقامات پیامبر ﷺ را به او تحویل دادند؟ از طرفی بر فرض که درستی عمل ابوبکر را مبنی بر محاصره کردن اموال حضرت زهره رضی الله عنها بپذیریم، چرا عمر آن اموال را برگرداند؟ آیا کار عمر اشتباه و غلط بود؟ مگر نه اینکه این دو به اعتراف شما مانند ستاره می‌باشند؟ سؤال ما این است که آیا ستاره اولی درست گفت یا ستاره دومی؟! به کدامیک از این دو ستاره اقتدا کنیم تا هدایت شویم؟ اگر کسی ادعا کند که این روایات با یکدیگر تعارض نموده در نتیجه، اعتبار ندارند، در جواب می‌گوییم بر فرض پذیرفتن تساقط، آنچه که می‌ماند این است که «إنَّ الرَّبَّ يَرْضَى لِرِضَا فَاطِمَةَ وَيَغْضَبُ لِعُضْبِهَا».

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

خودآزمایی

- ① براساس آیه ۲۳ سوره شوری، رسول الله ﷺ در قبال رسالت خویش چه پاداشی طلب کردند؟
- ② زمخشری در کتاب کشاف چه روایتی در مورد اهمیت حب آل محمد ﷺ و بغض آنان ﷺ نقل می‌کند؟
- ③ بنابر نظر فخررازی چه کسانی مسلماً از آل رسول الله ﷺ هستند؟
- ④ هنگامی که نظر رسول الله ﷺ را در مورد آل ایشان پرسیدند، چه پاسخی دادند؟
- ⑤ استدلال فخررازی در مورد اینکه چه کسانی و چرا آل رسول الله ﷺ هستند را بیان نمایید.
- ⑥ فخررازی در مورد مصداق آل بودن صحابه چه نظری دارد؟
- ⑦ نظر فخررازی در مورد صحابه و جایگاه آنان را نقد کنید.
- ⑧ ثابت کنید که حضرت زهرائمه ﷺ دارای مقام عصمت هستند.
- ⑨ آیا حضرت زهرائمه ﷺ از ابوبکر راضی بودند، چرا؟
- ⑩ ابوبکر که اموال حضرت زهرائمه ﷺ را مصادره نمود، اگر عمر آن را دوباره باز گردانده باشد، چه تعارضی روی می‌دهد؟

به سوی معرفت ۸۸

۱۶

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند... آگاه باشید
کسی که بر بغض و کینه آل محمد [ﷺ] از
دنیا برود، روز قیامت وارد صحنه محشر
می شود در حالی که بر پیشانی او نوشته اند:
از رحمت خدا ناامید می باشد، آگاه باشید
کسی که بر بغض و کینه آل محمد [ﷺ] از
دنیا برود، بدون دین و کافر از دنیا رفته است
آگاه باشید کسی که بر بغض و کینه آل
محمد [ﷺ] از دنیا برود، هرگز بوی بهشت
را استشمام نخواهد نمود.
(صفحه ۴ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ شماره : ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir